



دوباره مجرم شدم

روایتی از الهه ابراهیمی

دوباره نحوه برخورد مأموران و توقیف خودرو



طغیان بکت

گفتارهایی از: عبدالرحمن نجل - رحیم زرگل مرادی

امیر حسین ابراهیم، فرهاد محرابی و علی اصغر دشتی



ادیبی که نمی‌خواست ماندگار باشد

درباره امیربانو کریمی

استاد پیشکسوت ادبیات فارسی که دیروز درگذشت



۵ رخدادی که در ۲۰۲۳ رخ نداد

روایت اندیشکده شورای آتلانتیک از انتظارات برآورده نشده تحلیلگران

جهانبخش ایزدی

استاد روابط بین‌الملل

هنوز در حوزه هسته‌ای، فضا و ظرفیت دیپلماسی و ابزارهای بازدارنده از منظر دستگاه سیاست خارجی آمریکا وجود دارد و نیازی به افزایش تنش‌ها در حوزه نظامی وجود ندارد. وقتی این شرایط را در کنار بحران جاری در غزه قرار می‌دهیم، می‌بینیم که احتیاط طرفین بیشتر می‌شود. آمریکا در فضای فعلی دنبال افزایش تنش‌ها در منطقه نیست. آمریکا از یک طرف می‌خواهد بحران غزه را مدیریت کند و می‌خواهد مسائل منطقه‌ای را تحت کنترل داشته‌باشد. از طرف دیگر مسئله تمرکز بر چین و بحران اوکراین نیز تمرکز آمریکا را معطوف به خود کرده‌است. آمریکائیلی ندارد خودش را در جبهه‌های متعدد درگیر کند. اگر رخداد غیرمنتظره و غیر مترقبه‌ای رخ ندهد، ماهمچنان شاهد استمرار وضعیت خویش‌ترن‌داری خواهیم بود.

سرمقاله

نتیجه فرصت‌سوزی

نگاه کوتاه‌مدت و فرقه‌ای با هدف کسب قدرت عوارض بسیار خطرناکی در میان‌مدت و بلندمدت دارد. نمونه آن گروه‌های تندرو اصولگرایان که اکنون عنان دولت و مجلس را در اختیار دارند. در زمان روحانی با شدت هرچه تمام‌تر علیه برجام داد سخن می‌دادند و خواهان آتش زدن آن بودند و حتی آخرین تیر ترکش خود را در سال ۱۳۹۹ رها کردند و آن قانون زین‌بار را به نام قانون اقدام راهبردی بر لغو تحریم‌ها و صیانت از منافع ملت ایران با عجله تصویب کردند؛ قانونی که پس از شکست ترامپ و انتخاب بایدن تصویب کردند و هدف واقعی آن ممانعت از حل مسئله برجام بود؛ برجامی که ترامپ آن را کنار گذاشت و از سال ۱۳۹۷ به بعد موجب مشکلات عدیده‌ای برای کشور شد و با انتخاب بایدن قرار بود دوباره احیا شود. ولی این جماعت به جای استفاده از این فرصت و حل برجام، اقدام به فرصت‌سوزی کردند و مانع از حل برجام در دولت روحانی شدند و گمان می‌کردند که با آمدن خودشان در دولت، کاری خواهند کرد کارستان. آمدند و چندماه به معطلی گذشت. از اواسط پاییز ۱۴۰۰ تا توپ پر وارد میدان مذاکره شدند. فقط سه ماه زمان کافی بود که متوجه شوند مسئله آنچنان نیست که آنان تصور می‌کردند. در این فاصله، چندین بار فریب تحلیل‌های نماینده روسیه در مذاکرات برجامی را خوردند؛ در حالی که او می‌دانست در آینده چه خبر است. در اواخر زمستان ۱۴۰۰ روسیه به اوکراین حمله کرد، ماجرای شطرنج سیاست جهانی به کلی تغییر پیدا کرد. مواضع ایران در این جنگ اروپایی‌ها را نیز از ایران دورتر کرد. وضعیت بی‌تصمیمی و پرهیز از مذاکره مؤثر ادامه یافت تا تابستان ۱۴۰۱ که کشور دچار شوک تورمی وحشتناکی شد. آقایان تازه متوجه شدند که «یک من ماست چقدر کرده‌اند». دنبال حل ماجرا بودند که یک فریب دیگر و یک بحران جدید کل مذاکرات را بلا موضوع کرد. شعار «زمستان سخت» همان فریبی بود که معلوم شد چه کسی در کاسه آقایان گذاشته است؟ به امید زمستان سخت ناشی از جنگ اوکراین بودند تا اروپا به سوی ایران گرایش پیدا کند در حالی که نمی‌دانستند، آمریکایی‌ها از این وضع استقبال می‌کردند و زمستان سخت نه برای اروپا و غرب که برای ایران رقم خورد. ایرانی که روی گاز خوابیده است ولی نتوانست گاز کشور را در زمستان تامین کند. بحران جدی نیز اعتراضات تابستان و پاییز سال گذشته بود که به کلی تصویر کشور را در جهان تغییر داد و به نظر رسید که حل مسئله برجام از دستور مذاکرات خارج شده است. به‌ویژه آنکه ایالات متحده نیز وارد فصل انتخابات مجلس شد و در این مذاکرات دست به عصا حرکت کرد. اکنون از آنجا مانده از اینجا رانده هستند. کشوری که حتی در شرایط جنگی نیز هیچ‌گاه تورم ۴۰ درصدی را برای دو سال پیاپی تجربه نکرده بود، اکنون شش‌سوم سال چنین توری را تحمل می‌کند و حتی دست‌اندرکارانی که وعده تکریمی کردن آن را داده بودند، با طلبکاری به دولتی حمله می‌کنند که دو سال پیاپی تورم آن تکریمی شده بود و این در طول ۴۵ سال اخیر بی‌سابقه بود.

بررسی پیامدهای افزایش شتاب تولید اورانیوم و چالش‌های جدید با آژانس

بازگشت ایران و آمریکا از مسیر تفاهم

گزارش
دیپلماسی
۶-۷



بخت‌یاری‌ها و بداقبالی‌های آیت‌الله

یادداشتی از مهرداد خدیر

نظریه پرداز جمهور شاب

بازخوانی نوشتارها و گفتارهای
محمد تقی مصباح‌یزدی
درباره حکومت و انتخابات
در سالگرد درگذشت او

تاریخ
سیاست
۲۰۴۰۵

عبدالرضا فرجی‌راد

استاد جغرافیای سیاسی و تحلیلگر بین‌الملل

در حال حاضر واسطه‌هایی که تا پیش از این برای رساندن پیام میان ایران و آمریکا فعال بودند، درگیر بحران جاری در منطقه هستند. چه قطر در رابطه با مسئله میانجی‌گری میان حماس و اسرائیل بخش بزرگی از ظرفیت دیپلماتیک خود را به کار گرفته‌است و چه عمان که در رابطه با مسئله دریای سرخ و میانجی‌گری میان حوثی‌ها و دولت‌های غربی، مشغول فعالیت است. اگر آتش‌بس پایداری در غزه شکل بگیرد، بار دیگر واسطه‌های منطقه‌ای فرصت پیدا می‌کنند تا به موضوع ایران و آمریکا بپردازند. واسطه‌هایی که مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا را میسر می‌کردند. در ماه‌های اخیر به شدت مشغول مسائل دیگری هستند و تمام ظرفیت دیپلماتیک خود را معطوف به رویدادهای پس از حمله ۱۷ اکتبر کرده‌اند.

یادداشت سردبیر

اسلام قلب واسلام غلبه

چگونه گفتمان بازگان و مطهری
به مصباح‌یزدی رسید؟



محمد جواد روح

سال‌هاست در تحلیل روندی که به انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ انجامید، سخن از اسلام‌های چندگانه‌ای می‌رود که در دوره‌های تاریخی مختلف پیش و پس از انقلاب، میدان‌دار صحنه و شکل‌دهنده اندیشه سیاسی غالب بوده‌اند و بر بدنه اجتماعی نوجوی مذهبی تأثیرگذار شدند. این جریان‌ها البته همگی دارای تبار تاریخی بودند و دست‌کم می‌توان پشتوانه‌های آنان را از انقلاب مشروطه تا امروز یافت و شناخت. اما آنچه کمتر به آن پرداخته شده، روند هم‌زمان شدن این اسلام‌های چندگانه در بستر اسلام سیاسی است؛ روندی که می‌توان در قالب گذار از «اسلام قلب» به «اسلام غلبه» صورت‌بندی کرد. در این چارچوب، «اسلام قلب» را می‌توان گفتمان آن دسته از نیروهای مذهبی تعریف کرد که از پس دوران نهضت ملی شدن نفت و شکاف و شکست سیاسی که متوجه ائتلاف ملی گرایان (به رهبری محمد مصدق) و مذهبی‌ها (به رهبری ابوالقاسم کاشانی) شد، سر برآوردند و ذیل جبهه ملی و روحانیون نزدیک به آن، به تدریج در مقام نقد رویه‌های حاکم در دو ساحت سیاسی و فکری به تولید اندیشه و نیز نهادسازی پرداختند. سران نهضت آزادی ایران (مهدی بازرگان، بدالله سبحانی و محمود طالقانی) او پس از آن، روحانیون نواندیش و سازمان‌بخشی چون مرتضی مطهری و سیدمحمد بهشتی از مهمترین چهره‌هایی هستند که آنها را می‌توان به‌عنوان سخنگویان و ایده‌پردازان گفتمان «اسلام قلب» معرفی کرد. مینا و محور فعالیت این نیروها بیشتر وجهی فرهنگی-اجتماعی داشت. گرچه بازرگان و دیگر سران نهضت آزادی از همان اواخر دهه ۱۳۳۰ در موضع مخالف رژیم سیاسی شناخته می‌شدند و در دهه ۱۳۴۰ با محکومیت و زندان مواجه شدند و حتی در دادگاه از پایان دوران مبارزات قانونی سخن گفتند؛ اما با این حال، محتوا و مبنای اصلی مبارزات آنان بیشتر در جهت نوعی حرکت فکری-فرهنگی بود که خود، آن را «آگاهی‌بخش» می‌خواندند و اعتقاد داشتند بیش از هر چیز، باید در جهت نقد و نفی رویه‌هایی برآمد که به‌زعم آنان، هم کشور و هم دین را به بیراهه می‌برد. به عبارت دقیق‌تر، گرچه بازرگان و دیگر سران نهضت آزادی از پس سقوط دولت مصدق، با جایگاه مخالف سیاسی قرار گرفتند و هدف «مقابله با استبداد» را دستور کار اصلی خود قرار دادند، اما این هدف سیاسی را با رویکردی فرهنگی-اجتماعی تعقیب می‌کردند.